



زن و فعالیت سیاسی

در اندیشه آیه الله العظمی فیاض

مدظله

دکتر عبدالله احمد الیوسف

مترجم: محمد جواد برهانی

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۵
مقدمه مترجم	۷
آشنایی با زندگی علمی آیه‌الله فیاض	۷
حیات علمی	۸
وفات مادر و هجرت به مشهد مقدس	۹
اندیشه رسیدن به نجف	۱۰
در محضر استادان	۱۲
دوره خارج	۱۳
نوشتن تقریرات	۱۴
آغاز شهرت علمی	۱۵
تدریس	۱۷
شورای استفتا	۱۸
تألیفات	۱۹
آثار چاپ شده	۲۰
مقدمه	۲۶
زن در متون دینی	۳۱

۶ ♦ زن و فعالیت سیاسی

- ۳۷زن و اشتغال
- ۴۸.....زن و واجب امر به معروف و نهی از منکر
- ۵۱.....زن و حقوق عمومی
- ۵۴.....زن و حق شرکت در انتخابات
- ۵۶.....زن و ریاست دولت
- ۶۳.....زن و قضاوت
- ۶۵.....زن و مشارکت در جامعه مدنی
- ۶۸.....ملاحظات و نتیجه گیری

مقدمه مترجم

آشنایی با زندگی علمی آیه‌الله فیاض

آیت الله شیخ محمد اسحاق فیاض از مراجع بزرگ حوزه علمیه نجف است که بعد از رحلت استادش آیت الله العظمی خوئی کرسی تدریس دروس خارج حوزه علمیه نجف را به عهده گرفت و در طول سال‌های سخت و دشواری که بر عراق و حوزه نجف گذشت، هرگز کرسی تدریس را رها نکرد و تا امروز شاگردان زیادی را تربیت نمود.

در زندگی نامه آیه‌الله فیاض آمده است: از دیگر نوابع روزگار که شاگرد امام خوئی می‌باشد علامه بزرگ محقق بی‌مانند، حضرت آیه‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض ^{دام‌ظله} است و ما اکنون در بیان سطری از زندگی، آثار علمی و خدمات ایشان هستیم.

آیه‌الله فیاض در سال ۱۹۳۰م (۱۳۰۹ش) در روستای «صوبه جاغوری» از توابع غزنی (در جنوب پایتخت افغانستان)، دیده به جهان گشود و محمد اسحاق دومین فرزند خانواده بود. پدرش محمدرضا، کشاورز ساده‌ای بود که

پیش بعضی از مالکین ده، کار می کرد و با کد یمین و عرق جبین قوت لایموت خانواده اش را تهیه می کرد.

در کشوری که آیه الله فیاض دیده به جهان گشود، بی عدالتی ها، تبعیض ها و ستم های فراوانی به چشم می خورد که گروه و مذهبی - که محمد اسحاق فیاض به آن تعلق داشت - بیش از دیگران قربانی تبعیض ها و ستم های زمانه خود بود. تشویق های پدر و تدین وی در سرنوشت آیه الله فیاض تأثیر زیادی داشت که همواره پدر آیه الله فیاض آرزو داشت فرزندش در حوزه درس بخواند و عالم گردد. استعداد فوق العاده محمد اسحاق فیاض و تشویق های اساتید وی در مدرسه «او تقول جاغوری» و به ویژه ارتباط نزدیک وی با پدرزنش، علامه مدرس افغانی در نجف و فضای دینی و تحصیلی نجف و بیش از همه شخصیت علمی استادش آیه الله العظمی خوئی در تکوین شخصیت آیه الله فیاض نقش برجسته ای ایفا نمودند.

حیات علمی

آیه الله فیاض در دامان پر مهر مادر و در سایه سار لطف و عنایت پدر رشد و نمو کرد و در سن پنج سالگی، به مکتب

خانه قریه پا نهاد و پس از فراگیری قرآن کریم و برخی از کتاب های ادبی، فارسی و عربی، رهسپار مدرسه علمیه او تقول شد و چندین سال محضر مؤسس پارسا و فاضل آن، حجت الاسلام والمسلمین شیخ قربان علی وحیدی و ادیب و مدرس شهیر، حجة الاسلام شهید رمضان علی شریفی کسب علم و تحصیل معرفت کرد.

وفات مادر و هجرت به مشهد مقدس

پس از وفات مادر، فیاض برای ادامه تحصیل، از مدرسه «اوتقول» به شهر مشهد مقدس هجرت کرد. اگر چه او وارد مشهد مقدس شد و به بخشی از آرزویش دست یافت، اما عشق به نجف همچنان در قلبش شراره می زد و زبانه می کشید. شیخ محمد اسحاق مدت یک سال در مدرسه «حاج حسن» - که در منطقه بالا خیابان (در حال حاضر بعد از توسعه حرم امام رضا علیه السلام) این مدرسه خراب شده و محل این مدرسه جزء صحن های توسعه یافته و تازه تأسیس قرار گرفته - مستقر شد و در این مدت، کتاب های حاشیه ملاعبدالله، (م ۹۸۱) و بخشی از کتاب مطول را نزد استاد کل و ادیب بی مانند و شهیر آن زمان، شیخ محمد حسین نیشابوری، معروف به ادیب نیشابوری فراگرفت.

اندیشه رسیدن به نجف

گرفتاری و مصایب (که خواسته و ناخواسته هرکسی با آن مواجه می شود) نتوانست طالب کوشا و پرتلاش را از هدفش (که بلوغ در دانش و رسیدن به حوزه علمیه نجف بود) باز دارد، بلکه گرفتاری و مصایب او را برای ادامه راه مصمم تر می کرد و به همین خاطر بود که همیشه در فکر نجف بود و همواره از راه رسیدن به نجف سؤال نموده، راه های مختلف را جست وجو می کرد. آیه الله فیاض در سال ۱۳۶۹ ه.ق وارد نجف شد. محیط اجتماعی و مذهبی نجف، مانند سایر کسانی که برای اولین بار وارد نجف می شوند، بر او تأثیر مثبت بسیار زیادی گذاشت؛ زیرا زهد علما، عادات اجتماعی و فرهنگ عمومی آن به گونه ای است که انسان را می سازد و بر معنویات انسان تأثیر زیادی دارد. پیش کسوتان در این محیط دینی به گونه ای زندگی کرده اند که اقوال و افعال آن ها فقط برای خدا بوده و اگر سخن می گفتند، فقط از راستی و هدایت می گفتند و هر گاه سکوت می کردند، سکوتشان تفکر، یاد خدا و اصلاح امت بوده و اگر کاری انجام می دهند، خیر و برادری و دشمنی ایشان نیز فقط برای خداست.

حضرت آیه‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض، یکی از آن کسانی است که به نجف اشرف هجرت کرد و از سرچشمه علم نوشید و در مدارس آن جا تربیت یافت و متخلق به آداب و اخلاق آن گردید.

او ابتدا یک طلبه کوشا بود و بعد استادی بارز شد، تا این که یکی از کبار و زعمای حوزه گردید و مهم ترین مسئولیت اداره درس و پیشوایی مردم و مرجعیت به عهده ایشان قرار گرفت.

آیه‌الله فیاض وقتی وارد نجف شد، جوانی هجده ساله بود و در راه رسیدن به نجف، تجارب گوناگون را در زندگی کسب کرده بود و درحالی که کوله باری از تجارب و اخلاق و عادات شهرها و مردمان مختلف را به همراه داشت، وارد نجف شد.

شیخ محمد اسحاق فیاض درباره آغاز ورود خود به حوزه نجف می گوید:

ابتدای ورود ما به نجف، بعد از سال فوت آیه‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، اواخر دوران ملکی و اوایل مرجعیت سید محسن حکیم بود و طلاب دینی در نهایت فقر و مشکلات اقتصادی زندگی می کردند.

در محضر استادان

شیخ فیاض از همان روز اول که وارد نجف شد و در مدرسه سکنا گزید، بدون هیچ معطلی و سستی و تنبلی، با عشق و ذوق، علاقه و پشتکار مشغول به درس و بحث شد، تا آنچه را در مدرسه روستای منطقه اش و یا در حوزه علمیه مشهد مقدس خوانده و ناقص مانده بود تمام کند؛ از این رو کتاب قوانین الاصول، حاشیه ملا عبدالله و بخشی از کتاب لمعه را نزد مرحوم شیخ میرزا کاظم تبریزی خواند و بخش دیگر لمعه را نزد مرحوم سید اسدالله مدنی و شیخ میرزا علی فلسفی تمام کرد و باقی مانده کتاب مطول را نیز نزد علامه مدرّس افغانی پایان بخشید.

بعد از آنکه طالب پرتلاش ما به مرحله سطح عالی ارتقا یافت تا شایستگی آن یابد که در درس خارج؛ یعنی مرحله فوق تخصص حوزه راه یابد، کتاب‌های کفایة الاصول آخوند خراسانی و رسائل و مکاسب شیخ انصاری را نزد مرحوم شیخ مجتبی لنگرانی فرا گرفت و در خلال همین سال‌ها، آنچه را که از دوره مقدمات و سطح خوانده بود، برای طلاب تدریس می‌کرد و این نوع درس خواندن و تدریس در نظام آموزشی حوزه و به ویژه حوزه علمیه نجف، مرسوم و متعارف است و

طلبه از همان دوره ابتدایی با تدریس، شیوه‌های آموزشی و... آشنا می‌شود تا به مرحله سطح عالی می‌رسد. طلاب درس خوان و کوشا دوره سطح عالی را ظرف پنج سال تمام می‌کنند، اما علامه فیاض این مرحله را همراه با درس‌هایی که قبلاً فرا گرفته بود، در کمتر از پنج سال تمام کرد و خیلی زود به مرحله درس خارج راه یافت و در درس خارج علمای بزرگ و مراجع حاضر شد.

دوره خارج

پس از اتمام سطح عالی حوزه، آیه‌الله فیاض در آغاز ۲۲ سالگی وارد بحث و درس خارج شد، ابتدا از چندین درس خارج که بزرگان حوزه نجف برپا کرده بودند، بهره برد و تجربه کرد و سرانجام حلقه درس بزرگ‌ترین و مشهورترین استاد خارج، حضرت آقای خوئی را برگزید و پس از سال‌ها تلاش شبانه‌روزی، بدون تعطیلی و تعلل، در درس خارج فقه و اصول ایشان حاضر شده، و با دقت و وسواس علمی، مباحث استاد را تقریر کرد.

نوشتن تقریرات

علما و فضلاى حوزه، معمولاً محاضرات استاد را حین تدریس و یا بعد از پایان جلسه درس، به طور خلاصه یا کلمه به کلمه می‌نویسند و بعد از پایان جلسه درس، آن را با دیگر همکلاسی‌های خود مباحثه و تقریر می‌کنند و آن درس‌ها را بعد از تحقیق و مراجعه به مصادر ارائه شده از طرف استاد، استخراج مواد و منابع درس، مقایسه بین آرای بزرگان، مناقشه در آرا و نظرات ایشان و استدلال بر نظریه مختار خود، به طور دقیق و منظم می‌نویسند و به استاد عرضه می‌کنند تا استاد، صحت و اتقان نظرات خود و قوت علمی و اجتهادی نویسنده را گواهی کند تا آن را به عنوان شاهد گویای اجتهاد خود، نشر کند و این نوشته‌ها و کتاب‌ها در حوزه به «تقریرات» معروف است.

از ابتدائی حضور علامه فیاض در درس خارج آیه‌الله العظمی خوئی، روش ایشان چنین بود که ابتدا درس را برای هم کلاسی‌های خود تبیین و تقریر می‌کرد و آن تقریرات را، روز بعد می‌نوشت تا این که تقریرات دور پنجم درس خارج اصول فقه استاد خود خوئی را تکمیل کرد و آن را المحاضرات نام نهاد.

آغاز شهرت علمی

در نظام آموزشی حوزه رسم بر آن نیست که طلبه در یک دوره معین درس بخواند و امتحان دهد تا دارای شهرت و عنوان شود، بلکه شهرت علمی و فضل و فرزاندگی یک طلبه در گرو آن است که چند سالی به طور مستمر در درس استاد حاضر شود، تدریس و مباحثه کند، در مجالس علمی نظرات نوین طرح کند و نظرات دیگران را به نقد و مناقشه گیرد. در راس همه این ها، تقریرات درس و آرائه آن به استاد و تأیید کتبی استاد که در اصطلاح حوزه، معروف به «تقریظ استاد» می باشد و ارزش تقریظ و شهرت علمی نویسنده تقریرات، تابع شهرت علمی استاد است. در تقریظ امام خوئی بر تقریرات علامه فیاض — که در مقدمه جزء اول کتاب المحاضرات چاپ شده — آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام
على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد وعترته الطيبين الطاهرين،
واللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين، وبعد:

فإني أحمد الله تعالى على ما أولاني به من تربية نفر من ذوي
الكفاءة واللياقة حتى بلغ الواحد منهم تلو الآخر درجة راقية من
العلم والفضل، وممن وفقت لرعايته وحضر أبحاثي العالية في

الفقه والأصول هو قرّة عيني العلامة المدقق الفاضل الشيخ محمد إسحاق الفياض - دامت تأييداته - وقد عرض على الجزء الأول من كتابه (المحاضرات في أصول الفقه) الذي كتبه تقريرا لأبحاثي بأسلوب بليغ وإلمام جدير بالإشادة والإعجاب، وإنى أبارك له هذا الجهد الميمون وأسأله تعالى أن يوفقه لإتمام مرامه، إنه ولى التوفيق. (في ۶/جمادى الثانية /سنة ۱۳۸۲هـ).

در این تقریظ، مرحوم خوئی برای شاگردش توصیفاتى نوشته که برای کمتر کسی نوشته است. همان گونه که مشاهده می کنید، در این تقریظ، فیاض به "نور چشم، علامه، مدقق و فاضل" توصیف شده است.

با توجه به تاریخ تقریظ - که مطابق با ۴/۱۱/۱۹۶۲م؛ تاریخ چاپ کتاب می باشد - در این هنگام، علامه فیاض در سنین جوانی بوده است و از آنچه که استادش در حق او گفته، جایگاه، مقام علمی و فضل وی بر ما آشکار می گردد. از همان زمان استادش او را دوست می داشت، تقدیر می کرد و از بزرگان می شمرد.

تدریس

در زمان حیات و بعد از رحلت امام خوئی، شیخ فیاض یکی از استادان بارز و مشهور حوزه نجف بود؛ به گونه‌ای که در درس و بحث ایشان کتاب‌های مشهور سطح عالی مثل رسائل، کفایه و مکاسب را روزی چند بار در مسجد معروف «هندی» تدریس می‌کرد، چنان‌که این مرحله را ده سال در دانشگاه دینی نجف - که مرحوم محمد کلانتر آن را تأسیس کرده بود - تدریس می‌کرد تا این‌که سال ۱۹۷۸م در مدرسه سیدمحمدکاظم یزدی کوچکا، واقع در محله «العماره»، درس و تدریس دوره خارج را آغاز کرد و هنگامی که مدرسه دارالعلم معروف تأسیس و افتتاح شد، درس خارج خود را به آن جا انتقال داد و تا هنگام تخریب آن مدرسه ادامه داشت. پس از آن، جلسه درس را در یک دوره کمی به مسجد بزرگ هندی منتقل کرد، سپس به مدرسه یزدی - که مرحوم سید کاظم یزدی مرجع بزرگش آن را تأسیس کرده بود - انتقال داد که بسیاری از طلاب در آن شرکت می‌کردند و بسیاری از آن فضلا بحوث ایشان را به امیدی که یک روز چاپ شود، تقریر و مکتوب می‌کردند. بعد از سقوط صدام نیز آیة‌الله فیاض دروس خارج اصول و فقه خود را در دفتر خود برای شاگردان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام ارائه می‌کند که تعداد زیادی از فضلا در آن شرکت می‌کنند و همزمان

دروس ایشان از طریق سایت و به روز در دسترس علاقه مندان قرار می‌گیرد.

شورای استفتا

معروف است که مراجع عظام شورایی از خاصان، مقربان و علمای بارز از شاگردانشان تشکیل می‌دهند و این شورا موسوم به شورای استفتا است که برای جواب دادن به نامه‌ها و پرسش‌هایی که از سوی هزاران تن از مقلدان ایشان از سراسر جهان به ایشان می‌رسد، تشکیل می‌گردد و این گروه آن سؤال‌ها را مورد بحث، تحقیق و مناقشه قرار می‌دهند تا به رأی صحیح شرعی از نظر آن مرجع تقلید دست یابند و آن را در جواب سؤال‌های رسیده بنویسند. گاهی یک سؤال روزها وقت این گروه را به خود اختصاص می‌دهد تا به امضای مرجع تقلید برسد.

مرجعیت امام خوئی بیش از ۲۵ سال طول کشید که استادان حوزه و بزرگان از شاگردان ایشان از جمله دانشمند شهید و دانای بی‌مانند شهید سید محمدباقر صدر برای علمیت ایشان اجتماع کردند و مقلدان ایشان در سراسر جهان زیاد شد و هر روز ده‌ها استفتا به زبان‌ها و لغات

مختلف از گوشه گوشه عالم به دفتر می‌رسید، لذا امام دستور داد که چنین شورایی از میان علما و مجتهدان بزرگ از شاگردانشان برای جواب دادن به استفتائات تشکیل شود و حضرت علامه فیاض به علت دارا بودن مقامات عالی علم و فضل و قرب مقام علمی در نزد امام خوئی، یکی از افراد این شورای استفتا بود و بیش از ۲۵ سال تا روزهای آخر عمر امام خوئی ادامه داشت، چنان که معروف است در آن شورا، علمای بزرگی حضور داشتند که همگان به مقام مرجعیت رسیدند؛ از جمله آن‌ها می‌توان به آیات عظام: سید علی بهشتی، سید مرتضی خلخالی، سید محمد روحانی، میرزا علی غروی، شهید باقر صدر، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، سید تقی قمی، میرزا علی فلسفی، سید علی سیستانی و بسیاری دیگر از علمای کبار و مجتهدان و اساتید حوزه‌های علمیه اشاره کرد.

تألیفات

با وجود مسئولیت‌های مهمی که شیخ معظم دارد، از مرجعیت دینی گرفته تا رسیدگی به وضع مؤمنین، القای درس، جواب استفتا و حضور در شورای استفتا تا زمان رحلت امام خوئی، ایشان ده‌ها جلد کتاب را تألیف نموده است.

ایشان تألیفات زیادی به زبان عربی دارد که برخی از آن‌ها به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شده است. از آن‌جا که آثار او در عربی نگارش یافته است، فارسی‌زبانان کمتر با آثار ایشان آشنا هستند. تاکنون بیش از ده‌ها جلد کتاب از آثار ایشان چاپ شده و آثار زیادی نیز وجود دارد که به چاپ نرسیده و یا آماده چاپ می‌باشد.

آثار چاپ شده

- محاضرات فی اصول الفقه؛ دوره خارج اصول آیه‌الله خوئی که پنج جلد آن چاپ شده است. (مجموعاً ده جلد می‌باشد).

- المباحث الاصولية؛ (پانزده جلد).

- تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی؛ (ده جلد).

- الاراضی؛ (این کتاب در مورد زمین‌های موات، معادن، جنگل‌ها، مراتع، آب و... بحث کرده است که به زبان فارسی نیز ترجمه شده است).

- منهاج الصالحین؛ در سه جلد؛ (شامل یک دوره فقه نیمه استدلالی).

- الانموذج في منهج الحكومة الاسلاميه؛ (در مورد حكومت اسلامى و ولايت فقيه مى باشد اين كتاب به زبان فارسى نيز ترجمه شده است).

- موقع المثة في النظام السياسي الاسلامي؛ (اين كتاب به زبان انگليسى و فارسى نيز ترجمه شده است و درباره جاىگاه زن در نظام سياسى اسلام بحث کرده است).

- مناسك حج؛ (به زبان عربى و زبان فارسى).

- بيانات و توجيهات؛ مجموعه اى از سخنان سياسى و دينى آية الله فياض است كه در يك جلد گردآورى شده و بارها از سوى دفتر ايشان چاپ گردیده است.

- توضيح المسائل؛

- منتخب توضيح المسائل؛

- المسائل المستحدثة:

- المختصر في الحياة العلمية للسيد الخوني؛ (زندگى نامه مرحوم خوئى).

- مسائل طبيه؛

- النظرة الخاطفة في الاجتهاد؛ (این کتاب در مورد اجتهاد می باشد).

- مائة سؤال حول الكتاب، والكتابة والمكتبات؛ (این کتاب در مورد حق تألیف و مؤلف می باشد).

- احكام البنوك؛ (این کتاب در مورد احكام بانک و مسائل مرتبط با آن و همچنین درباره جایگزین های سیستم بانک ربوی مطالبی را ارائه می کند).

- اطروحات فکریه؛ که آخرین اثر آیه الله فیاض می باشد و در آن نظام فکری اسلام در عرصه های چون اقتصاد، سیاست، حقوق، اراضی و... بیان شده است.

همان گونه که خوانندگان محترم توجه دارند، از آثار یاد شده چنین برمی آید که تخصص آیه الله فیاض در رشته اصول و فقه می باشد، اما ایشان در کنار اصول و فقه، در مورد مسائل سیاسی و اقتصادی نیز مطالبی را نگاشته است که در این جا مولف دانشمند این کتاب حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله احمد یوسف امام جمعه محترم حله قطفیف در مورد اندیشه سیاسی آیه الله فیاض و مشخصا در مورد دیدگاه آیه الله فیاض در باره جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام کتاب پیش رو را تألیف کرده است. قابل یادآوری است که آیه الله

فیاض در مورد جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام کتاب مستقلی نوشته است که تاکنون بارها به زبان‌های مختلف ترجمه و چاپ شده است. کتاب جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام در واقع پاسخ به سوالات یکی از دانشجویان مقطع دکترا است که آیه‌الله فیاض با حوصله مندی بصورت مفصل بدان پاسخ داده است ترجمه متن نامه دانشجو که در ابتدای کتاب جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام به زبان عربی آورده شده است در ذیل خدمت شما تقدیم می‌گردد.

"حضرت علامه آیه‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض دامت برکاته؛ السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

مجموعه سؤالات در مورد جایگاه زن مسلمان در نظام سیاسی اسلام که بخش از پایان نامه مقطع دکترا را تشکیل می‌دهد خدمت شما تقدیم می‌گردد. پایان نامه در صدد است که از منظر اندیشه مذاهب مختلف اسلامی و از منظر چهارچوب نظام سیاسی مختلف اسلام جایگاه زن را در اسلام مورد بررسی قرار دهد. از خداوند سبحان مسئلت دارم که در ساحت فکر اسلامی بر حقائق اسلام که مشتمل بر عناصر اصالت، ثبات و تجدد است نور افشانی نماید. از محضر مبارک شما استدعا دارم تا در صورت امکان به سؤالات در

طی دو هفته پاسخ بگویید و همچنین در صورت امکان آدرس خود را مرحمت نمایید تا در امور علمی با شما در ارتباط باشم. خداوند به شما اجر عنایت فرماید."

مؤلف کتاب پیش رو «حجت الاسلام والمسلمین الحاج شیخ عبدالله احمد الیوسف»، خطیب جمعه حله عربستان و یکی از محققان و نویسندگان برجسته جهان اسلام است که از وی تا کنون بیش از ده ها جلد کتاب چاپ شده است، دکتر عبدالله الیوسف مدرک دکتری خود را در رشته فقه و معارف اسلامی از جامعه المصطفی دریافت کرده است.

عنوان رساله دکتر الیوسف "سیره الامام علی الرضا: درسه تحلیلیه للسیره الاخلاقیه والعلمیه والسیاسیه للامام الرضا علیه السلام (سیره امام رضا علیه السلام؛ پژوهشی تحلیلی در سیره اخلاقی، علمی و سیاسی امام رضا علیه السلام) می باشد.

تذکره دکتری خطیب جمعه حله عربستان، که ۵۲۸ صفحه دارد، دارای چهار باب است که در هر کدام از این ابواب، به بررسی تحلیلی سیره هشتمین امام آسمان هدایت و ولایت اختصاص یافته است. مؤلف محترم نظریات آیه الله فیاض را در مورد جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام دسته بندی کرده و نه باب و موضوع مهم را مورد بررسی قرار داده است که به

ترتیب عبارتند از: زن در متون دینی، زن و شغل، زن و واجب امر به معروف و نهی از منکر، زن و حقوق عمومی، زن و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، زن و ریاست دولت، زن و قضاوت و زن و مشارکت در جامعه مدنی. در پایان مولف گرامی کتاب را با بررسی و نتیجه گیری در مورد مباحثی که کتاب آن را در بردارد از اندیشه ها و نظریات در مورد حقوق زن سیاسی و اجتماعی به پایان برده است.

ومن الله التوفیق

محمد جواد برهانی بابه

قم، تابستان ۱۳۹۸

مقدمه

در روز یکشنبه، هفتم ذی‌الحجه ۱۴۳۱ هجری، برابر با چهاردهم نوامبر ۲۰۱۰ میلادی، برای اولین بار به زیارت مرجع بزرگ جهان اسلام، حضرت آیه‌الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض (دام‌ظله) مشرف شدم. بعد از سپری شدن یک هفته از زیارت اول، بار دیگر توفیق زیارت آن مرجع بزرگ نصیب شد و از نصایح ارزشمند ایشان که متمرکز بر خلوص در نیت، ثبات در عقیده، اجتناب از اختلاف و کینه، تهذیب نفس، رفتار درست، حفظ وطن و وابستگی و دلدادگی به وطن بود بهره‌مند گردیدم.

روشن است که یک بار یا چند بار ملاقات با یک اندیشمند و فقیه، به شما این امکان را نمی‌دهد که تصویر روشن از اندیشه آن فقیه و دانشمند بزرگ را پیدا کنید. برای فهم دقیق از اندیشه یک اندیشمند، لازم است انسان به آثار و تالیفات آن اندیشمند و فقیه مراجعه کند و خداوند این توفیق را به نگارنده عنایت کرد که توانستم برخی از آثار این

مرجع بزرگ را که از فقهاء بزرگ عصر ما به شمار می‌رود مطالعه کنم.

نظریات فقهی آیة‌الله فیاض، در مورد جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام توجهم را به خود جلب کرد که نظریات وی در مورد جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام - از نظر کاوش فقهی و با جرئت و واضح بیان کردن نظر شرعی مخصوصا در مورد پاره از مسائل دشوار در مورد احکام فقهی زنان از قبیل به عهده گرفتن ریاست دولت چه رسد از سایر مناصب از سوی یک زن - بسیار ممتاز بود.

وارد شدن زن در فعالیت سیاسی از نظر فقهی در گذشته و حال محل نزاع بوده و در آینده نیز از جمله مسائل مورد بحث خواهد بود. دانشمندان رشته فقه در این مورد نظریات مختلف دارند، که شیخ مهدی شمس‌الدین در این مورد فرموده است:

" عرصه‌های فعالیت سیاسی در مورد شایستگی زنان در آن، متعدد و متنوع است؛ در میان فقهاء، کسانی هستند که از نظر شرعی شایستگی زن را در جامعه، به جز در مورد رابطه زناشویی و امور مرتبط با فرزند و خانواده، نفی می‌کنند.

گروه دیگر از فقهاء کسانی هستند که شایستگی زن را از نظر شرعی، برای انتخاب وکیل و اعضاء مجلس شورای شهر، نفی می‌کنند، چه رسد از اینکه زن حق داشته باشد خود را به عنوان وکیل در پارلمان و یا وزارت در دولت، نامزد کند.

برخی دیگر از فقهاء کسانی هستند که برای زنان این اجازه را داده اند که رای داده و کسانی را به عنوان نماینده در مجلس و امثال آن انتخاب کنند اما خود، حق ندارند تا خود را برای مجلس نامزد کنند.

گروه دیگر از فقهاء کسانی هستند که برای زنان این حق را می‌دهند که آنها خود را به عنوان نماینده در پارلمان کاندیدا کند و اما نمی‌توانند زنان، کرسی وزارت و مدیریت را به عهده بگیرند.

در میان فقهاء کسانی وجود دارند که پذیرفته‌اند که زنان از نظر شرعی این شایستگی را دارند تا عهده دار این مناصب گردند.

اما مشهور بین فقهاء هم در قدیم و هم در جدید به جز عده اندک، این است که زنان از نظر شرعی شایستگی این را ندارند که ریاست دولت را به عهده بگیرند.^۱

با توجه به نظریات مختلف فقهی در باره مساله شایستگی زن برای فعالیت سیاسی و گرایش بیشتر فقهاء به عدم شایستگی زنان برای فعالیت سیاسی از نظر شرعی، در اینجا اشاره می‌شود به دیدگاه مرجع بزرگ حضرت آية الله العظمی فیاض که در نظام غیر شرعی زنان را برای به عهده گرفتن ریاست دولت و همه مناصب دیگر شایسته می‌داند و برای زنان جایز است که در عرصه‌های مختلف فعالیت سیاسی در زمان ما، بصورت گسترده فعالیت نمایند.

این کتاب بصورت مختصر مباحثی را در بردارد:

۱. اهلیه المراه لتولی السلطه، الشیخ محمد مهدی شمس الدین، المؤسسة الدولیه للدراسات والشتر، بیروت
لبنان، الطبعه الولی ۱۹۹۵م، ص ۳۷.

۱. زن در متون دینی
 ۲. زن و شغل
 ۳. زن و واجب امر به معروف و نهی از منکر
 ۴. زن و حقوق عمومی
 ۵. زن و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن
 ۶. زن و ریاست دولت
 ۷. زن و قضاوت
 ۸. زن و مشارکت در جامعه مدنی
- این کتاب را با بررسی و نتیجه گیری در مورد مباحثی که کتاب آن را در بردارد از اندیشه‌ها و نظریات در مورد حقوق زن در عرصه سیاسی و اجتماعی به پایان بردم و آرزومندم که مطالب مفید و جدیدی را در مکتب اسلام تقدیم کرده باشم.

در پایان از خداوند بزرگ آرزومندم که این کتاب را در ترازوی اعمالم قرار داده و آن را ذخیره آخرتم قرار دهد که روزی که ثروت و فرزندی در آن روز بدرد نمی‌خورد، به جز کسی که

زن در متون دینی ♦ ۳۱

اعمالش را با قلب سالم بیاورد.^۱ خداوند بزرگ محل و نهایت آرزوها و سرچشمه مهربانی و بخشش است. خداوند کمک کننده است.

عبدالله احمد الیوسف
حله - قطیف
۱۴۳۲/۳/۱ هـ
۲۰۱۱/۲/۴ م

زن در متون دینی

فهم نادرست از برخی از متون دینی و یا عمل به احادیث غیر معتبر در مورد زن، دلیل مهم را تشکیل داده است تا زن از نقش و وظایف دینی، اجتماعی و فرهنگی خود چه رسد از سیاست دور گردد.

به خاطر فهم مقصود از آیات قرآن کریم و تفسیر آن و صحت برخی از احادیثی که از آن، گاهی پائین بودن منزلت زنان فهمیده می‌شود، در اینجا نظریه آیه‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض را درباره برخی این متون دینی مورد بررسی

۱. یَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ.

قرار می‌دهیم. آیه‌الله فیاض، در مورد تفسیر این آیات که خداوند فرموده است: هر گاه از زنان رسول متاعی را می‌طلبید از پس پرده طلب کنید.^۱ و در خانه‌هایتان بنشینید و آرام گیرید (و بی‌حاجت و ضرورت از منزل بیرون نروید)^۲ معتقد است که این آیات مخصوص زنان پیامبر ﷺ می‌باشد.^۳ به این خاطر نمی‌توان به آیات قرآن کریم در مورد ممنوعیت خروج زن از خانه به خاطر کار استدلال کرد، همانگونه که کسانی که خروج زن از خانه را به خاطر کار جایز نمی‌دانند به این آیات استدلال کرده‌اند.

در باره قیمومیت و تسلط مردان بر زنان که در آیه قرآن کریم آمده است: مردان بر زنان تسلط دارند.^۴ در اینکه آیا قیمومیت و تسلط مردان بر زنان منحصر در زندگی خانوادگی و در داخل خانه است یا اینکه این تسلط و چیرگی در زندگی

۱. وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ. احزاب/ ۵۳.

۲. وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ. احزاب/ ۳۳.

۳. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفی الثقافیه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶ هـ ۲۰۰۵ م، ص ۲۵۳.

۴. الرَّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ. نساء/ ۳۴.

اجتماعی در همه ابعاد آن (خارج از زندگی خانوادگی و روابط میان زن و شوهر) نیز کشیده می‌شود؟

مرجع دینی حضرت آیه‌الله شیخ فیاض در پاسخ فرموده است: " تسلط مرد بر زن منحصر در زندگی خانوایی و در داخل خانه است و اما در زندگی اجتماعی در همه بخش‌های زندگی و امور اجتماعی از قبیل زندگی سیاسی، اقتصادی و آموزشی و مانند آن تفاوتی میان زن و مرد نیست.^۱ پس قیومیت و تسلط مردان بر زنان مطابق نظر آیه‌الله شیخ فیاض منحصر در زندگی خانوادگی است و زندگی اجتماعی که در آن مرد و زن مساوی است و هر دو بصورت یک سان شایستگی این را دارد که عهده دار امور اجتماعی گردد، کشیده نمی‌شود.

در مورد احادیثی که از پیامبر روایت شده است که از آن فهمیده می‌شود که زنان نسبت به مردان منزلت پائین‌تر دارند و رتبه زنان پائین‌تر از رتبه مردان می‌باشند، آیه‌الله فیاض در این مورد فرموده است: که این نوع از روایات اعتبار ندارد و برخی از آنها درست نیست. وقتی از آیه‌الله فیاض در

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفیاض، موسسه محمد معرفی الثقافیه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۴۵.

باره احادیثی که از پیامبر روایت شده است که حضرت در وصف زنان فرموده است: آنان از نظر عقل و دین ناقص اند، آیا این گونه احادیث درست است؟ آیه‌الله فیاض این گونه پاسخ گفته است که عین عبارت شان این است:

" حدیث مذکور اعتبار ندارد و نسبت آن به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درست نیست؛ علاوه بر آن، این حدیث قابل تصدیق نیست؛ زیرا این حدیث خلاف چیزی است که ما آن را در خارج مشاهده می‌کنیم، زیرا آنچه در خارج مشاهده می‌شود، این است که عقل زن در تمام عرصه‌های علمی که در آن حضور دارد کمتر از عقل مرد نیست. از آیات و روایات نیز استفاده می‌شود که فرقی بین عقل مرد و زن وجود ندارد. بنابراین فرض صحت و اعتبار حدیث مذکور، احتمال دارد که حدیث ناظر به این مطلب باشد که طبیعت زن به حسب نوع خودش حساس و دارای مشاعر محبت و رقت قلب و متمایل به زینت و زیبایی است که این ویژگی‌ها در زن بیشتر از مرد است. بر همین اساس، گاهی این احساسات و مشاعر بر عقل و اندیشه زن در زندگی اجتماعی غلبه می‌کند. همه زنان این طور نیستند، زیرا چه بسا زنانی باشند که در اراده و قوت

قلب خود به مراتب بهتر از مردان باشند که به آنها زنان پولادین یا آهنین^۱ گفته می‌شود.^۲

آیت الله فیاض همچنین از حدیثی که از پیامبر نقل شده است که در آن آمده است: "جامعه ای که سرپرستی آن را زن بر عهده گیرد، هرگز رستگار نمی‌شود." این گونه پاسخ داده است: "این حدیث اعتبار ندارد و به هیچ وجه قابل تصدیق نیست، زیرا معنای این حدیث این می‌شود که زن به سبب زن بودن خود، قدرت اداره کشور، به صورت کامل را

۱. اشاره به خانم مارگارت هیلدا تاچر (۱۳ اکتبر ۱۹۲۵ - ۸ آوریل ۲۰۱۳) معروف به بانوی آهنین (Iron Lady). دارد وی نخستین نخست وزیر زن تاریخ بریتانیا و همچنین رهبر سابق حزب محافظه کار بریتانیا بود. وی در سال ۱۹۷۵ به رهبری این حزب برگزیده و چند سال بعد در ۱۹۷۹ با شعار بهبود اوضاع اقتصادی از سوی محافظه کاران نامزد شد و به نخست وزیری بریتانیای کبیر رسید و تا سال ۱۹۹۰ در هر دو سمت باقی ماند. تاچر تنها زنی در بریتانیا است که تاکنون دارای این دو پست به صورت هم زمان بوده است. از نظر صلابت سیاسی وی را هم تراز وینستون چرچیل نخست وزیر مشهور و با نفوذ دهه های ۴۰ و ۵۰ بریتانیا می دانند. حمایت تاچر از بازار آزاد، کاهش خدمات دولتی و واگذاری سازمان های دولتی به بخش خصوصی، برخی از سیاست های مشهور او بود که به «تاچریسم» معروف است. پافشاری بر سیاست های اقتدارگرایانه و محافظه کارانه وی که منتقدان بسیاری داشت و مقابله او با قدرت گرفتن اتحادیه های کارگری در بریتانیا او را به «بانوی آهنین» مشهور کرد.

۲. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفیاض، موسسه محمد معرفى الثقافیه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵ م، ص ۲۴۶.

ندارد و حکومت زن بر کشور منجر به نابودی همه ابعاد زندگی می‌شود و دلیل از بین رفتن آن چیزی جز نقصان و اندیشه زن نیست و پیش تر بیان کردیم که این ادعا خلاف آن چیزی است که ما در مراکز علمی و میدان‌های اجتماعی می‌بینیم که زنان در آن جا حضور دارند.^۱

آیت الله فیاض صرفاً به این پاسخ بسنده نکرده است که این احادیث که به رسول خدا نسبت داده شده است، اعتبار ندارد، بلکه وی همچنین بر این حقیقت تاکید ورزیده است که عقل زن در همه عرصه‌های علمی و اجتماعی کمتر از عقل مرد نیست و به این مطلب برخی از آیات و روایات اشاره دارد و آن را وجدان خارجی تصدیق می‌کند. این نتیجه گیری پائین بودن رتبه زن و به حاشیه بودن وی در اندیشه اسلامی را نفی می‌کند هرچند برخی از شرق شناسان و غرب زدگان تلاش دارند تا این اندیشه را بصورت نادرست و تهمت به اسلام نسبت دهند.

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفی الثقافیه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۴۶.

زن و اشتغال

در صورتیکه خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر باشد و با حق بهره برداری شوهر منافات داشته باشد، فقهاء بصورت اجماع آن را جایز ندانسته اند و اگر زن بدون اجازه شوهر از منزل خارج گردد و حق شوهر فوت شود، در این صورت زوجه مستحق نفقه نمی‌باشد.

اما اگر خارج شدن همسر از منزل با حق بهره برداری و استمتاع شوهر منافات نداشته باشد، مثل اینکه شوهر در اثناء کار، یا در سفر و یا در اثناء خروج از منزل باشد و زن در همین هنگام به خاطر یک کار مستحب یا مباح تصمیم بگیرد از منزل خارج گردد، پس آیا واجب است که از همسر خود اجازه بگیرد و آیا شوهر می‌تواند بدون دلیل عقلی همسرش را از خارج شدن از منزل منع کند؟

اکثر فقهاء معتقدند که بله، در فرض سوال شوهر حق دارند همسرش را از خارج شدن از منزل منع کند و زن حق ندارد بدون اجازه شوهر از خانه خود خارج گردد، هرچند خارج شدن وی با حق شوهر در امر استمتاع منافات نداشته باشد و شوهر می‌تواند همسرش را از خارج شدن از منزل حتی برای کار مستحب مثل صلہ رحم و عیادت بیمار و اشتراک در

مجلس عزاداری، منع کند چه رسد به کارهای مباح مثل تفریح و قدم زدن، گشت و گذار در بازار جهت خرید و یا به ملاقات همسایه گان رفتن.

اما برخی فقهاء هستند که دارای نظر متفاوت می‌باشند و برای این مساله گستره مطلق قائل نیستند. خوئی ره در این مورد معتقد است: " روایات زیادی در این مورد وجود دارد که بدون اجازه شوهر خروج زن را از خانه در صورتیکه با حق شوهر منافات داشته باشد جایز نمی‌داند. اما اگر خروج زن با حق شوهر منافات نداشته باشد مثل اینکه برای مدت کوتاهی از منزل خارج گردد و مخصوصا اگر زن در روز برای ملاقات پدر و مادر خود برود و یا برای زیارت حرم و امثال آن منزل را ترک کند، در این صورت آنچه که از دلایل به مقتضای فهم عرفی استفاده می‌شود این است که خارج شدن زن بدون اجازه شوهر از منزل، خروج به معنای مصدری نیست که با یک لحظه بیرون رفتن و با صرف بازکردن در و گذاشتن قدم در بیرون از خانه تحقق پیدا می‌کند، بلکه خارج شدنی حرام است که زن در بیرون از خانه برای مدتی باقی بماند و آنچه که نهی شده است عبارت است از توقف کردن زن در خارج از منزل به گونه‌ی که با حق شوهر منافات داشته باشد و قدر

متیقن از دلایلی که خروج زن از منزل را بدون اجازه شوهر حرام می‌داند همین مورد است.^۱

ولی در مقام فتوا، آیه‌الله خوئی عدم جواز خروج زن از منزل را منوط به منافات داشتن آن با حق کام‌جویی شوهر دانسته و بنابراین احتیاط وجوبی حتی اگر خروج از منزل با کام‌جویی شوهر منافات نداشته باشد باز هم جایز نیست زن از منزل خارج گردد، مرحوم خوئی در این باره چنین فرموده است: «در صورتی که خروج زن از منزل با حق کام‌جویی شوهر منافات داشته باشد، خروج وی از منزل، بدون اذن شوهر جایز نیست بلکه بنابراین احتیاط وجوبی بصورت مطلق جایز نیست زن بدون اجازه شوهر از منزل خارج گردد حتی اگر با حق کام‌جویی شوهر منافات نداشته باشد، و اگر زن بدون اجازه شوهرش از منزل خارج شد در این صورت وی ناشزه و زن نافرمان محسوب می‌شود و اما سایر افعال بدون اجازه

۱. مستند العروه الوثقی، کتاب الصوم، السید الخوئی، المطبعه العلمیه، قم، ایران؛ طبع،

شوهر در صورتیکه با کام جویی شوهر منافات نداشته باشد بر زن حرام نیست.^۱

در این مورد نظر آیه‌الله فیاض، مانند نظر استادش آیه‌الله خوئی (ره) است که فرموده است اگر خروج زن با حق کام جویی و استمتاع شوهر منافات نداشته باشد، احتیاط واجب این است که زن از خانه خارج نگردد.^۲ اما به زودی نظر آیه‌الله فیاض را می‌خوانیم که وی معتقد است که در حالت لجاجت که مرد از روی لجبازی به زن اجازه ندهد تا از منزل خارج گردد در این صورت زن می‌تواند بدون اجازه شوهر از خانه برای کار و شغل خارج گردد. اما آیه‌الله سیستانی حفظه الله معتقد است که بنابر احتیاط وجوبی اگر زن از خانه بدون اجازه شوهر خارج گردد، نفقه وی از گردن شوهر ساقط نمی‌شود^۳ اگر زن از منزل بدون اجازه شوهر خارج گردد، بنابر قول مشهور زن مستحق نفقه نمی‌باشد، اما بنابر احتیاط

۱. منهاج الصالحین، السید الخوئی، ج ۲، ص ۲۸۱، مساله ۱۴۰۷.

۲. المسائل المنتخبة، الشیخ محمد اسحاق الفیاض، دارالبیذره، النجف، العراق، ص

۳۱۴، مساله رقم ۷۱۸.

وجوبی نفقه زن در این صورت نیز از گردن شوهر ساقط نمی‌شود.^۱

شیخ محمد مهدی شمس الدین معتقد است که "در میان آیات قرآن کریم، نمی‌توان دلیلی یافت که از آن وجوب اجازه خواستن زن از شوهر و تسلط منع مرد، بر زن بصورت مطلق^۲ را استنباط کرد و عمده دلیلی که فقهاء در این مساله بر آن تکیه کرده اند روایاتی است که در این باب وارد شده است و اغلب این روایات از نظر سند اعتبار ندارد و روایاتی هم که سندش معتبر است، دلالتش بر مطلب ثابت نیست.

مخصوصا اگر ما آیاتی را که در مورد ارتباط بین زن و شوهر تاکید می‌کند مورد توجه قرار بدهیم که آن آیات رفتار معروف و شایسته را در معاشرت بین زن و شوهر معیار قرار داده است که خداوند بزرگ در قرآن بیان کرده است. یا زن را به شایستگی نگهدار و یا به نیکویی رها کن.^۳ و خداوند

۱. منهاج الصالحین، السید السیستانی، دارالکتاب العربی، بیروت، لبنان، الطبعة التاسعة، ۱۴۲۵ هـ، ۲۰۰۴ م، ص ۱۰۶، مساله ۳۵۱.

۲. مقصود از مطلق به این معنا است که مرد حق داشته باشد زن را از خارج شدن از منزل منع کند حتی اگر با حق کام جویی وی منافات نداشته باشد. مترجم

۳. قَامِسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِیحٌ بِإِحْسَانٍ. بقره / ۲۲۹.

همچنین فرموده است: و در زندگانی به آنها به انصاف و معروف رفتار نمایید.^۱

بنابراین حق سکونت زن در خانه مقتضی این امر نیست که خانه به عنوان زندان برای زن تبدیل گردد و خروج از آن زندان و خانه به جز با اراده و اجازه شوهر جایز نباشد. روایاتی که در آن نهی شده است که زن حق ندارد از منزل خارج گردد مگر اینکه شوهر اجازه خروج را بدهد، این روایات مطلق نیست که همه احوال و حالات را شامل گردد، به همین ترتیب این روایات بیشتر از اینکه - اجازه خواستن زن از شوهر در هنگام خارج شدن از منزل واجب است - بر امر دیگری دلالت نمی‌کند و بر این امر نیز دلالت ندارد که شوهر حق دارد که به همسرش اجازه خروج ندهد، زیرا اجازه خروج ندادن، با رفتار نیک و معروف منافات دارد، بنابراین معاشرت و امساک در حالتی که با منع زن از خارج شدن از منزل همراه باشد و آن هم در مواردی که از نظر عرف جایز است زن از خانه خارج گردد، این معاشرت و امساک به معروف نیست.

۱. وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ . نساء / ۱۹.

در اینجا این اشکال هم بی وجه است که گفته شود اینکه اگر لازم باشد که شوهر برای زن خود اجازه خروج بدهد، دیگر دستور به اجازه خواستن و نهی از خارج شدن بدون اجازه خواستن از شوهر لغو است. دلیل بی وجه بودن این اشکال این است که مقصود از اجازه خواستن از شوهر حفظ احترام و دادن اعتبار عرفی برای شوهر و استفاده از نظر شوهر در تشخیص موارد خروج راجح و مرجوح و حرام از نظر وقت، مکان، هیئت و هدف است و اجازه گرفتن از شوهر در حقیقت مشورت خواستن از شوهر است.^۱

این مطلب نزدیکتر به روح شرع می‌باشد و احتمالاً مقصود از عدم جواز خروج زن از منزل مگر با اجازه شوهر همانگونه که از روایات استفاده می‌شود بر آن جایی حمل گردد که خروج زن از منزل باعث شود تا حق کام جویی و استمتاع شوهر از زن فوت گردد و یا باعث سرپیچی زن از شوهر گردد و یا باعث اهانت و عدم احترام به شخصیت مرد گردد، زیرا اسلام بر حفظ ارتباط خانوادگی اهتمام دارد که این ارتباط به

۱. حقوق الزوجیه، الشیخ محمد مهدی شمس الدین، خلاصه کلام وی از صفحه ۸۰ تا صفحه ۹۱.

جز با تفاهم و احترام متقابل امکان پذیر نیست. اما با کمال تاسف برخی از شوهران از این حق - خروج زن از منزل با اجازه شوهر - بد فهمیده اند و با توجه به حق مذکور همسران خود را مطلقاً مانع می‌گردند و به آنها اجازه نمی‌دهند حتی برای ملاقات والدین شان از منزل خارج گردند، انگار زنان در منزل زندانی هستند، و این نوع رفتار، بدون شک با آنچه که خداوند به آن دستور داده است که عبارت است از رفتار نیک با همسر، منافات دارد، مخصوصاً اگر منع زن از خروج از منزل، از روی لجاجت و رفتار ناشایست همراه با توهین و تحقیر زن باشد و انگار زن بصورت اجباری ملزم است در آن منزل سکونت داشته باشد.

فقهاء اجماع کرده اند که زن می‌تواند - با رعایت حجاب اسلامی و آراستن به حیاء و پاکدامنی که بر زن در هر جا لازم است چه زن شاغل باشد یا غیر شاغل - کار کند. اما مسأله‌ی که می‌خواهیم در اینجا بیان کنیم این است که در صورت تعارض کار زن با حقوق واجب زوجیت بر زن مسلمان مانند خارج شدن از منزل با اجازه شوهر و حق همخوابی و مانند آن پس در این صورت کدام یک آن دو مقدم بر دیگری است؟

زن و اشتغال ♦ ۴۵

در اینجا مرجع بزرگ دینی حضرت آیه‌الله فیاض به این نکته توجه کرده است که کار و اشتغال زن بصورت متعارف با حق زوج در امر کامجویی و استمتاع از همسر منافات ندارد و شیخ فیاض در این مورد چنین بیان داشته است که عین عبارت شان این است: "حق شوهر بر همسرش این است که هر زمان بخواهد می‌تواند از او بهره (استمتاع) ببرد و زن حق ندارد امتناع بورزد و از خانه خارج گردد که منافات با آن حق داشته باشد. باید توجه داشت که ثبوت این حق برای شوهر به مقدار متعارف و معمولی است که منافات با اشتغال زن و خارج شدن از خانه به مقدار شش یا هشت ساعت را ندارد، زیرا مرد نیز نوعاً این مدت را در همان زمان بیرون از خانه سپری می‌کند".^۱

اما اگر زوج از باب لجاجت، همسرش را از کار منع کند، در این صورت آیه‌الله فیاض بعید نمی‌داند که اطاعت زن از شوهر واجب نباشد، بلکه در صورتی که وظیفه زن از سوی ولی امر شرعی بر وی واجب شده باشد در این صورت شوهر حق

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفيض، مؤسسة محمد معرفى الثقافيه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۵۳.

ندارد همسر خود را از کار منع کند و حضرت آیه‌الله فیاض در این باره چنین فرموده است که عین عبارتش چنین است: "اما اگر تقاضای مرد از زن به دلیل لجاجت و ممانعت از اشتغال زن باشد در این صورت، در این که واجب است زن از همسر خود اطاعت کند و این امر نظیر این می‌شود که مرد از زن خود بخواهد در طول ۲۴ ساعت در خدمت او باشد تا او استمتاع کند، در این صورت، بر زن واجب نیست از شوهر خود اطاعت کند، زیرا دلایلی که حق استمتاع را برای مرد ثابت نموده از مثل این موارد انصراف دارد. بلی، اگر وظیفه‌ای بر زن واجب باشد، مثل این که ولی امر انجام آن را از زن خواسته باشد تا در دولت اسلامی انجام دهد؛ برای مصلحت عامه، در این صورت شوهر حق ندارد زنش را از ایفای آن وظیفه منع کند، هرچند انجام آن وظیفه منافی حق شوهر باشد؛ اما اگر انجام آن وظیفه بر زن واجب نباشد در این صورت نمی‌تواند مزاحم واجب گردد و در چنین مواردی واجب است زن به همسر خود رسیدگی کند. البته، اگر زن در دولت مشغول انجام وظیفه است؛ مثلاً معلم بوده و مرد به ازدواج با او اقدام کند و زن هم با این شرط با او ازدواج کند که در شغل خود باقی بماند و عقد هم با همین شرط بین آن دو جاری گردد، در این صورت، مرد حق ندارد زن خود را از

زن و اشتغال ♦ ۴۷

شغلش منع کند. یا اصولاً زن در ضمن عقد اشتغال در حکومت را شرط بداند و مرد نیز آن را بپذیرد و با همان شرط، عقد میان آن دو جاری گردد، دیگر مرد حق ندارد زن را از اشتغال در حکومت منع کند. اما هم‌خوابی (مضاجعه) حق زن است بر عهده مرد، نه به عکس".^۱

با این تفصیلی که آیه‌الله فیاض آن را توضیح داده است بسیار مهم است، مخصوصاً اگر توجه کنیم که مشهور بین فقهاء این است که آنها برای زن جایز نمی‌دانند که بدون اجازه همسر خود از خانه خارج شود، حتی اگر خروج زن با حق بهره و کام جویی شوهر منافات نداشته باشد و یا اینکه فقهاء در این مورد احتیاط می‌کنند. از سوی دیگر مشهور فقهاء معتقدند که مرد می‌تواند همسرش را از خروج از منزل ممانعت کند حتی برای امور مستحبّ مانند صله رحم و عیادت بیمار نیز به همسرش اجازه ندهد که از منزل خارج گردد چه رسد به امور مباح مانند تفریح، گردش و سیاحت و زیارت و ملاقات همسایه گان.

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفی الثقافیه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۵۳ - ۲۵۴.

در حالیکه مرجع عالیقدر حضرت آیةالله شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه) معتقد است که در صورتیکه شوهر، همسرش را از روی عناد و لجاجتِ غیر منطقی ممانعت کند و وی را نگذارند تا برای کار از منزل خارج گردد در چنین حالت لازم نیست زن از همسر خود اطاعت کند، همانگونه که در برخی از حالات شوهر حق ندارد همسرش را از بیرون رفتن ممانعت کند مثل آن جاییکه شغلی خاص بر زن واجب باشد. در حالتی که زن با شوهرش شرط کرده باشد که وی را از کار کردن منع نکند در این صورت نیز واجب است شوهر به شرط خود وفا کند و این فرض از جمله مواردی است که فقهاء در مورد آن اتفاق نظر دارند.

زن و واجب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین واجبات شرعی و عقلی است. امر به معروف و نهی از منکر از با فضیلت ترین عبادات و نجیبترین طاعات شمرده می شود. امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین وسیله برای نشر فضائل و منع رذائل در جامعه به شمار می آید.

زن و واجب امر به معروف و نهی از منکر ♦ ۴۹

در قرآن کریم ده ها آیه‌ی از قرآن کریم را می‌یابیم که مردم را به برپایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر بسان یک واجب اجتماعی فراخوانده است که جهت گسترش حق، خیر و نیکی در جامعه کمک می‌کند، با انواع مختلف منکرات مبارزه می‌کند.

امر به معروف و نهی از منکر صرفاً منحصر برای مردان نیست، بلکه مرد و زن همه مخاطب این فریضه مهم الهی است و صرف اینکه خطابات قرآنی متوجه مرد می‌باشد، دلالت ندارد که امر به معروف و نهی از منکر مخصوص مردان است همانگونه که مرجع عالیقدر حضرت آیه‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه) معتقد است و این گونه بیان داشته است:

اولاً: برای این که احکام شرعی که در شریعت مقدس جعل شده، احتمال نمی‌دهد اختصاص به یک طایفه داشته باشد، زیرا قاعده اشتراک در تکلیف برای همه اهل یک شریعت جاری است؛

ثانیاً: خطابات قرآنی به حسب نوع خود متوجه مردم (الناس) یا انسان است و مردم یا انسان، هر دوی مرد و زن را شامل می‌شود.

از سوی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که یک مرتبه آن با زبان صورت می‌گیرد که نیازی نیست آمر و ناهی قدرت اجرایی داشته باشد، پس کسی که قادر به این وظیفه است، هرچند فقط در قبال خانواده خود این توانایی را داشته باشد، واجب است این کار را انجام بدهد.^۱

پس امر به معروف و نهی از منکر یک فریضه الهی است که بر همه واجب است و در این مساله هیچ تفاوتی بین مرد و زن نیست. این فریضه مانند سایر واجبات الهی، اختصاص به مردان ندارد؛ زیرا خطابات قرآن و احادیث، زنان را مانند مردان شامل می‌شود. اختصاص حکم در شریعت به یک طایفه بدون اینکه طایفه دیگری را شامل شود، منوط به تحقق موضوع آن حکم در آن طایفه است؛ مانند احکام حیض، استحاضه و نفاس و امثال آن که اختصاص به طایفه زنان دارد. اما در غیر آن، زن مانند مرد مورد خطاب آیات قرآنی است.^۲ و این امر باعث می‌شود که زن مانند مرد جهت

۱. المسائل المستحدثه، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفى الثقافيه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۳۷.

۲. المسائل المستحدثه، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفى الثقافيه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۳۷.

برپایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر احساس مسولیت کند، به خاطر اینکه در فریضه امر به معروف و نهی از منکر دعوت به برپایی واجبات بزرگ و نهی از منکرات بزرگ است مانند منکرات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که لازم است همه دست به دست هم دهند و تمام تلاش خود را به کار گیرند تا این منکرات بر امت و جامعه تاثیر منفی نگذارد.

زن و حقوق عمومی

مرجع تقلید بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه) معتقد است که در حقوق مشروع اعم از حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. اسلام برای همه، حق بهره مندی از تمام حقوق عمومی و بهره مندی از آزادی همگانی را در چارچوب امورات حلال و مباح تضمین کرده است و اما در انجام حرام، انسان اعم از زن و مرد آزادی ندارد.

برای بیان نظر مرجع بزرگ جهان اسلام حضرت آیه‌الله فیاض (دام ظلّه) متن زیر را باهم می‌خوانیم:

" در حقوق اجتماعی، فردی، فکری، آزادی بیان، آزادی اظهار نظر و وارد شدن در همه فعالیت‌های اقتصادی در بازار و بورس‌های جهانی و جمع آوری همه ثروت‌های طبیعی و احیای زمین‌های بایر و امثال آن میان زن و مرد هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد و هر دو می‌توانند در همان حدود که شرع اجازه داده است فعالیت کنند، اما اموری که شرع اجازه نداده است، مانند بهره برداری و فعالیت اقتصادی ممنوع، که با ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های دینی در تضاد است، مانند ربا، تجارت شراب، مردار حیوانات، گوشت خوک، احتکار، غش در معامله و غیر آن، همان گونه که مرد مجاز نیست، زن نیز اجازه ندارد این نوع فعالیت‌ها را در جامعه انجام دهد؛ از سوی دیگر، دولت اسلامی عهده دار برآورده شدن جمیع حقوق انسان مسلمان است که در راس آن آزادی و فعالیت در همه حوزه‌های آن، در چارچوبی که شرع اجازه آن را داده است، قرار دارد. روشن است که آزادی مطلق در هیچ جا وجود ندارد و در اسلام نیز آزادی مطلق وجود ندارد، بلکه در محدوده‌ای که اسلام آن را مجاز شمرده است، به گونه‌ای که آزادی، باعث سلب آزادی و حقوق دیگران نگردد و با ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی در تضاد نباشد، مجاز است؛ بر همین

زن و حقوق عمومی ♦ ۵۳

اساس، انسان آزاد نیست به دیگران تهمت بزنند، دروغ بگویند و غیبت کند و در این امور تفاوتی بین زن و مرد نیست.^۱

بنابراین زن می‌تواند از همه حقوق مشروع بهره‌مند گردد، و در انجام و بهره‌مندی از آزادی‌های عمومی بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد البته به شرط اینکه از حدود شرع تجاوز نکرده و وارد محرمات نگردد، این نکته نیز قابل یادآوری و توجه است که لیست محرمات و ممنوعات در اسلام بسیار اندک است و اصل در اشیاء اباحه است، اما حرام بودن یک چیز نیازمند دلیل شرعی است.

از آنچه که تاکنون بیان شد، روشن گردید اینکه این ادعا که گفته شده است اسلام در حق زن ستم روا داشته است با حقیقت منافات دارد و مخالف واقعیت است، بلکه اسلام منزلت و جایگاه زن را بالا برده است و به وی قدر و منزلت عطاء کرده است.

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفی الثقافیه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۴۳.

زن و حق شرکت در انتخابات

از جمله عرصه‌های فعالیت سیاسی مشارکت در انتخابات پارلمان و شورای شهر و سایر شوراها است که شخص ممکن است خود را برای عضویت در آن کاندیدا کند به امید اینکه در انتخابات پیروز شده و عضو پارلمان و یا سایر شوراهای گردد و یا هم ممکن است شخص با شرکت در انتخابات و دادن رای، فردی شایسته را برای عضویت در پارلمان و یا شورای شهر انتخاب کند.

فقیه معاصر حضرت آیه‌الله شیخ فیاض هیچ گونه مانعی نمی‌بیند که زن خود را برای پارلمان کشور و یا شوراهای شهر کاندیدا کند تا در صورتی پیروزی در پارلمان نماینده گردد و حضرت آیه‌الله فیاض در این مورد چنین بیان داشته است: " برای زن جایز است که خود را برای ورود در پارلمان و شورای شهر و مانند آن نامزد کند البته به شرط اینکه ارزش‌های اسلامی و کرامت خود را مانند یک زن مسلمان حفظ کند"^۱. و وقتی زن این حق را داشته باشد که خود را

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفى الثقافيه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۳۵.

برای پارلمان و امثال آن کاندیدا کند پس به طریق اولی حق دارد که در انتخابات کسانی دیگر را جهت وارد شدن در پارلمان و شورای شهر و غیر آن انتخاب کنند و به آنها رای دهد زیرا به نظر حضرت آیه‌الله فیاض برای زن جایز است که در انتخابات رئیس جمهور و اعضاء قوه مجریه و اعضاء قوه مقننه و سائر مجالسی که از طریق انتخابات برگزیده می‌شود شرکت کند.^۱

به همین ترتیب حضرت آیه‌الله شیخ فیاض مانعی نمی‌بیند از اینکه یک زن در سایر کشورها به عنوان سفیر انتخاب گردد و به همین صورت جایز است که یک زن در سایر مناصب مهم و غیر مهم دولتی شرکت کند و آن را به عهده بگیرد زیرا این گونه مناصب از جمله ولایت عامه شمرده نمی‌شود.^۲

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفى الثقافيه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۳۵.

۲. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفى الثقافيه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۳۵.

زن و ریاست دولت

فقه‌های شیعه در مورد مساله حکومت کردن زن مطلب زیادی ننوشته‌اند، و در بحث‌های فقهی خود متعرض شرط بودن مرد برای حاکم نگردیده‌اند. به همین ترتیب متکلمان شیعه در بحث‌های کلامی در مسائل که مربوط به بحث امامت می‌باشد متعرض این بحث نشده‌اند.

محققان معاصر امامیه که مساله حکومت را مورد بحث و تحقیق قرار داده‌اند و متعرض شروط حاکم گردیده‌اند، مرد بودن را برای امام و والی شرط دانسته‌اند و برای زن جایز ندانسته‌اند که ریاست حکومت و دولت را به عهده گیرند. محققان معاصر امامیه موضع فقهی خود را مبتنی به بحث قضاوت کرده‌اند، که همه فقهاء بر این امر اتفاق نظر دارند بلکه ادعاء اجماع کرده‌اند که مرد بودن یکی از شرایط قضاوت است و قاضی باید مرد باشد، و زن نمی‌تواند قاضی گردد و برای کسی که فتوا می‌دهد (مفتی) نیز مرد بودن شرط است و این امر بین علماء شهرت یافته بلکه برای آن ادعاء اجماع شده است.

محققان معاصر امامیه دلایلی را که برای شرط بودن مرد بودن برای قاضی گردیده، همان دلایل را برای شرط بودن

مرد بودن برای رئیس دولت نیز معتبر دانسته اند به علاوه اینکه در این مورد به روایات و متون دیگر از قرآن و سنت برای اثبات مدعا استدلال نموده اند.

اما علماء سایر مذاهب (از علماء اهل سنت) ظاهراً همه آنها اتفاق کرده اند که مرد بودن برای ریاست دولت شرط می‌باشند، اما شرط مرد بودن در قاضی و در مورد پست‌ها و مناصب پائین‌تر از ریاست دولت یک مسأله اختلافی است.^۱

طبق آن چه که تاکنون گفته شد، نظر آیه‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض (حفظه الله) ممتاز و متمایز است زیرا وی معتقد است که زن مسلمان می‌تواند ریاست دولت را در حکومت‌های غیر شرعی به عهده بگیرد، چه آن دولت در کشورهای اسلامی باشد و یا در غیر کشورهای اسلامی باشد.

آیت الله فیاض حکومت شرعی را این‌گونه تعریف کرده است: " اگر حکومت دینی باشد به این معنی که حکومت بر اساس حاکمیت دین بنا شده باشد در این صورت حکم تصدی سمت زن با حکومت غیر دینی متفاوت می‌شود، زیرا

۱. اهلیه المرآه لتولی السلطه، الشیخ محمد مهدی شمس الدین، الموسسه الدولیه للدراسات والنشر، بیروت - لبنان، الطبعة الولی ۱۹۹۵م، ص ۴۲-۴۳.

حاکم در حکومت دینی از جانب خداوند معین می‌شود که گاهی با تصریح به اسم و در قالب فرد مشخص این تعیین صورت می‌گیرد مانند زمان حضور و گاهی بصورت بیان ویژگی‌های آن فرد این تعیین صورت می‌گیرد مانند زمان غیبت. در حالیکه قوه مجریه در حکومت غیر دینی یا از طریق انتخابات آزاد برگزیده می‌شود و یا از طریق قهر و غلبه. از اینجا روشن می‌شود که حاکم در حکومت دینی توان زیادی در اجراء قوانین الهی و تطبیق آن در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی، حقوقی، عدالت اجتماعی و فرهنگی و ایجاد امنیت و امثال آن دارد.^۱

حکومت‌های موجود در کشورهای اسلامی طبق نظر آیة‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض اغلب حکومت دینی نمی‌باشد، زیرا حکومت دینی به حکومتی گفته می‌شود که بر اساس مبدا حاکمیت از جانب خداوند بنا شده باشد و حاکم در حکومت دینی از جانب خداوند معین شده باشد، اما در واقع حکومت‌های موجود این گونه نیست، پس جایز است زن در پرتو قانون

۱. المسائل المستحدثة، الشیخ محمد اسحاق الفیاض، مؤسسه محمد معرفی الثقافیه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

موجود، خود را برای ریاست جمهوری کاندیدا کند چه رسد به مناصب و پست‌های که پائین تر از پست ریاست جمهوری می‌باشد.

برای اینکه نظر مرجع عالیقدر حضرت آیه‌الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض را در مورد جواز رئیس جمهور شدن زن بفهمیم عین عبارت ایشان را باهم می‌خوانیم:

"پوشاندن بدن و اندام از اجنبی و حفظ کرامت، شرافت و عفت بر زن مسلمان واجب است. با رعایت و حفظ امور مذکور برای زن مسلمان جایز است که هر عملی را که اسلام اجازه داده است به عهده بگیرد حال فرق نمی‌کند چه آن عمل یک عمل اجتماعی باشد مانند ریاست جمهوری و سایر پست‌های دولتی یا عمل فردی باشد مانند رانندگی و خلبانی و امثال آن. روشن است که تصدی پست‌های مذکور موجب نمی‌شود که زن حجاب خود را کنار بگذارد یا کرامت اسلامی خود را آن گونه که در شأن یک زن مسلمان است حفظ نکند، بلکه حفظ حجاب و حفظ کرامت اسلامی برای یک زن که متصدی پست‌های مهم اجتماعی می‌شود به شأن، ارزش و جایگاه اجتماعی آن زن می‌افزاید

بطور خلاصه اینکه زن مسلمان اگر اراده شان قوی، عقیده و باور شان به خدا محکم باشد و کرامت و شرافت خود را حفظ نماید، می‌تواند متصدی همه پست‌های مذکور گردد و در تصدی این پست‌ها بین مرد و زن هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد.^۱

این نظر دارای اهمیت زیادی است و برای زن فرصت وسیعی را برای حرکت و بهره مند شدن از همه حقوق سیاسی می‌دهد که در نتیجه زن این فرصت را پیدا می‌کند تا به بالاترین قدرت سیاسی که عبارت است از ریاست جمهوری دست پیدا کند. بنابراین نظر آیة‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض که معتقد است زن می‌تواند رئیس جمهور گردد هر چند آن را مشروط کرده است به اینکه دولت، یک دولت غیر دینی باشد که اغلب دولت‌ها امروزه این گونه است، این نظر یک نظر فقهی متمایز و ممتاز می‌باشد از یک مرجع بزرگ با وجودیکه در این مورد ادعاء اجماع شده است که زن نمی‌تواند بصورت مطلق رئیس جمهور گردد، و فقهاء قدیم و جدید این قول را پذیرفته اند که زن حق

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفى الثقافيه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵م، ص ۲۳۲.

زن و ریاست دولت ♦ ۶۱

ندارد رئیس جمهور گردد، اما در عین حال آیةالله فیاض با جرئت بیان داشته است که در حکومت غیر دینی زن می‌تواند رئیس جمهور گردد. با توجه به مطالب بیان شده نظر شیخ فیاض اهمیت خاص پیدا می‌کند، به اعتبار جایگاه فقهی و علمی وی در حوزه علمیه نجف اشرف و به اعتبار جایگاه آیةالله فیاض به عنوان یک مرجع بزرگ دینی، که این امور باعث می‌شود تا بحث زن و قضاوت و بحث زن و سیاست در بحث‌های فقهی جدید در آینده جایگاه خاص پیدا کند.

در این مورد یک مساله مهم باقی مانده است و آن عبارت است از اینکه: اگر برای زن جایز باشد که سمت ریاست و حکومت را در دولت به عهده بگیرد، پس آیا برای جامعه و مردم جایز است که زمام امور خود را به دست یک زن بسپارند تا زن عهده دار سمت مهم ریاست دولت گردد؟

ظاهراً این مساله باهمدیگر متلازم و مرتبط است، زیرا تصور تفکیک در مشروعیت بین آن دو {جواز رئیس جمهور شدن زن و جواز سپردن مردم زمام امور خود را به دست یک زن} امکان ندارد. در این مورد شیخ محمد مهدی شمس الدین در پاسخ این پرسش چنین بیان داشته است:

"وقتی برای زن جایز باشد تا عهده دار ریاست دولت گردد، برای مردم نیز جایز است تا وی را به عنوان رئیس خود انتخاب کنند و هرگاه برای مردم جایز باشد که زنی را به عنوان رئیس خود انتخاب کنند، برای زن نیز جایز است که آن را بپذیرد، زیرا تفکیک در مشروعیت آن متصور نیست، به این صورت که برای زن جایز باشد، سمت ریاست جمهوری را به عهده بگیرد اما برای مردم جایز نباشند که زن را به عنوان رئیس جمهور خود انتخاب کنند و یا اینکه برای مردم جایز باشند که زن را به عنوان رئیس انتخاب کنند اما برای زن جایز نباشد که آن ریاست را بپذیرد، زیرا در این امر لازم می‌آید تا حکم جواز و مشروعیت لغو باشد و هیچ اثری نداشته باشد تا زمانی که برای طرف دیگر امکان تطبیق عدم وجود نداشته باشد. بنابراین وقتی با دلیل شرعی ثابت گردد که زن می‌تواند عهده دار ریاست دولت گردد، با ملازمه قطعی ثابت می‌شود که جایز است زن این سمت را بپذیرد و وقتی با دلیل شرعی ثابت شد که زن می‌تواند ریاست دولت را بپذیرد با ملازمه قطعی ثابت می‌شود که زن می‌تواند عهده

زن و قضاوت ♦ ۶۳

دار آن سمت گردیده و برای مردم هم جایز است که زن را به عنوان حاکم و رئیس خود انتخاب کند".^۱

طبیعی است که مطابق نظر آیه‌الله فیاض که برای زن در نظام غیر دینی جایز می‌داند که وی رئیس جمهور گردد، در این صورت بدون شک تشکیل دولت از طریق انتخابات و آراء مردم صورت می‌گیرد، و اگر مردم یک زن شایسته را به عنوان رئیس جمهور خود انتخاب کنند در این صورت برای زن جایز است که آن ریاست را پذیرفته و کشور را اداره کند.

زن و قضاوت

آیه‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض معتقد است که زن نمی‌تواند منصب قضاوت را به عهده بگیرد. فقهاء در این مورد اعم از فقهاء قدیم و جدید اتفاق نظر دارند که زن نمی‌تواند عهده دار منصب قضاوت گردند، بلکه از جانب فقهاء در این مورد ادعای اجماع شده است. بنابراین فقهاء معتقدند که در

۱. اهل‌یہ المرآه لتولی السلطه، الشیخ محمد مهدی شمس الدین، الموسسه الدولیه للدراسات والنشر، بیروت - لبنان، الطبعه الولی ۱۹۹۵م، ص ۴۱.

قضاوت، مرد بودن شرط می‌باشد و زن نمی‌تواند منصب قضاوت را به عهده بگیرد و به همین ترتیب فقهاء ادعاء اجماع کرده اند مبنی بر اینکه در مفتی نیز مرد بودن شرط است و زن نمی‌تواند فتوا بدهد.

آیت الله فیاض قضاوت را در اسلام این گونه تعریف کرده است: " قضاء در اسلام عبارت است از پایان دادن به خصومت دو طرف دعوا طبق موازین شرعی. قاضی شرعی که از سوی خداوند نصب شده کسی است که شرعا بر تطبیق احکام شرعی، اجراء حدود، إقامة تعزیرات و گرفتن حق مظلوم از ظالم - به گونه که شرع به او اجازه داده است به خاطر حفظ مصالح مهم مؤمنین که عبارت است از عدالت اجتماعی و ایجاد توازن - ولایت داشته باشد."^۱

بنابراین، منصب مهم قضاوت در دولت اسلامی در زمان غیبت، مخصوص فقیه جامع الشرایط می‌باشد و یا کسی را که آن فقیه جامع الشرایط برای قضاوت، منصوب کند و زن مسلمان هرچند همه شرائط قضاوت در وی جمع باشد جایز

۱. المسائل المستحدثة، الشیخ محمد اسحاق الفیاض، موسسه محمد معرفی الثقافیه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵ م، ص ۲۳۴.

نیست منصب قضاوت را به عهده بگیرد، اما آیه‌الله فیاض قضاوت عرفی را برای زن و مرد هر دو جایز دانسته و چنین بیان داشته است: "اما در قضاوت عرفی بین مردم که مبتنی بر ثبوت ولایت و زعامت دینی برای قاضی نیست زن هم می‌تواند مانند مرد قضاوت نماید."^۱

زن و مشارکت در جامعه مدنی

موسسه‌های جامعه مدنی همانگونه که نیازمند مرد می‌باشد نیازمند زن نیز می‌باشد. این موسسه‌های محلی برای پیشرفت جامعه، بسیار مهم است. مقصود از موسسه‌های جامعه مدنی عبارت است از موسسه‌های که از بطن جامعه برخاسته و مستقل از دولت می‌باشد اما در کنار فعالیت‌های دولتی، فعالیت می‌کند و مکمل فعالیت‌های دولتی می‌باشد. به عبارت دیگر این موسسه‌ها خود تاسیس و مردمی است و در خدمت مصالح عمومی جامعه فعالیت می‌کند و خدمات

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفياض، موسسه محمد معرفى الثقافيه، الكويت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ ۲۰۰۵ م، ص ۲۳۴.

عمومی برای مصالح جامعه انجام می‌دهد. عرصه‌ها و فعالیت‌های جامعه مدنی متنوع می‌باشد که برخی آن عبارتند از: رسیدگی و توجه به فقراء و نیازمندان، مراقبت از کودکان، توجه به مشکلات نسل جوان، حل مشکلات زنان، دفاع از حقوق بشر، گسترش آگاهی بهداشتی، حمایت از محیط زیست، رشد آگاهی فرهنگی و مانند آن که بسیار زیاد و گسترده است. همه موسسه‌های جامعه مدنی با هدف پیشرفت جامعه و تقویت ساختمان داخلی آن فعالیت می‌کند. موسسه‌های جامعه مدنی افزایش ابتکار عمل اجتماعی را تشویق می‌کند، همانگونه که موسسه‌های مذکور بر فعالیت داوطلبانه متمرکز است بدون اینکه هدف آن تجارت و یا سود مادی باشد. موسسه‌های جامعه مدنی عرصه‌های گوناگون را اعم از اقتصاد، جامعه، فرهنگ، محیط زیست و دین و مانند آن در بر می‌گیرد.^۱

مرجع عالیقدر حضرت آیه‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه) مشارکت زن را در عرصه‌های مختلف جامعه مدنی با همه شاخه و ابعاد آن منع نکرده و چنین بیان داشته است:

۱. افکار فی العمل التطوعی، عبدالله احمد الیوسف، ص ۱۹ - ۲۰.

" در این مورد اشکالی نیست که زن در جامعه مدنی شرکت کند چه در دولت اسلامی شرعی باشد و یا در دولت غیر اسلامی باشد البته به شرط اینکه خارج از دایره و چارچوب، گرایش و ابعاد اسلام نباشد.^۱ حضرت آیةالله شیخ فیاض بالاتر از آن معتقد است که اگر زن کارشناس عملی و علمی باشد لازم است مشورت علمی و مهارت عملی خود را برای پیشرفت دولت، از دولت دریغ نرزد و در این مورد آیةالله فیاض چنین بیان داشته است: " این یک امر ضروری و لازم است که زن {مشورت‌های کارشناسانه اش را از دولت دریغ نسازد} در همه بخش‌های دولتی چه دولت اسلامی باشد یا غیر اسلامی^۲ به خاطر اینکه وجود دولت از ضروریات حفظ نظام عمومی است و تضمین مصلحت عمومی برای همه مردم لازم است و به هر اندازه که دولت پیشرفت کند، به همان اندازه شهروندان از آن دولت بیشتر استفاده می‌کند، به همین خاطر است که بر زن، مانند مرد لازم است تا آن چه را که در

۱. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفیاض، موسسه محمد معرفی الثقافیه،

الکویت، الطبعه الاولى، ۱۴۲۶ هـ ۲۰۰۵ م، ص ۲۳۹.

۲. المسائل المستحدثة، الشيخ محمد اسحاق الفیاض، موسسه محمد معرفی الثقافیه،

الکویت، الطبعه الاولى، ۱۴۲۶ هـ ۲۰۰۵ م، ص ۲۳۹.

توان دارد از توان علمی گرفته تا مهارت عملی برای ساختن دولت و پیشرفت آن تلاش کند و به آرمان‌ها و آرزوهای مشروع دولت لبیک گفته، دوشادوش مرد، در ساختن، رشد و شکوفایی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و کشور سهم بگیرد.

ملاحظات و نتیجه گیری

بعد از اینکه نظریات و اندیشه مرجع عالیقدر حضرت آیه‌الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه الشریف) را در مورد حقوق سیاسی و اجتماعی زن توضیح دادم، در اینجا با ملاحظات و نتیجه گیری ذیل اشاره می‌کنم.

۱- اسلام به زن همه حقوق معنوی و مادی شان را عطا کرده است و به وی مانند یک انسان کامل احترام گذاشته و جایگاه و منزلت وی را بالا برده است، به خلاف آن چه که در تبلیغات غرب بیان می‌شود که می‌گوید: اسلام در حق زن ستم کرده و منزلت و جایگاه زن را تقلیل داده است.

۲- نظریات فقیه معاصر، حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه الشریف) شایسته بررسی علمی گسترده

است مخصوصاً در مورد اینکه زن می‌تواند رئیس جمهور در دولت غیر دینی گردد که اغلب کشورهای اسلامی از نظر آیه‌الله فیاض غیر دینی است و همچنین زن حق مشارکت سیاسی دارد که هم می‌تواند خود را برای سمت‌های مختلف چون نماینده پارلمان، نماینده در شورای شهر و شوراهای اجرایی کاندیدا کند و هم به کسانی دیگر رای دهد تا در این سمت‌ها انتخاب گردد. زن به طریق اولی حق دارد در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مانند آن در جامعه فعالیت کند.

۳- باز بودن در اجتهاد در مذهب شیعه در غنی سازی فقه، تعیین نظر شرعی در مورد هر مساله جدید و پاسخ دادن به سؤالات مختلف معاصر سهم بسیار گسترده و فعال داشته است. و همین امر باعث شده است تا دامنه فقه گسترش یافته و بحث‌های فقهی و فروع آن گسترده گردد، زیرا در هر عصری سؤالات و قضایای جدیدی متولد می‌گردد و فقیه و مجتهد مطلق قادر است تا به سؤالات جدید متناسب به شرایط زمانی و مکانی پاسخ دهد.

۴- از خلال بررسی نظریات فقهی آیه‌الله العظمی شیخ فیاض در مورد زن روشن شد که اسلام برای زن اجازه داده است تا همه حقوق سیاسی خود را به جز آنچه که با دلیل خارج شده

است انجام دهد و در آن عرصه عمل کند. بنابر این، زن حق دارد خود را برای سمت‌های سیاسی کاندیدا کند و همچنین وی حق دارد تا در انتخابات به هر کسی که خواست رای بدهد همانگونه که برای زن جایز است عهده دار منصب‌های مهم و بلند دولتی گردد. در نظام سیاسی، زن حق دارد به نقد سیاسی پرداخته و آنچه را که اشتباه می‌بیند مورد انتقاد قرار دهد و دیگران را به تصحیح آنچه که وی صحیح می‌پندارد فرا بخواند. زن در نظام سیاسی، همچنین حق دارد نظریات سیاسی خود را بیان کند و آنچه را که حق می‌بیند با صدای بلند آن را بیان کند و آنچه را که اشتباه و نادرست می‌داند مورد انتقاد و اعتراض قرار دهد این حقوق سیاسی که اسلام به زن عطا کرده است، جایگاه رفیع زن و موقعیت وی را در اسلام بیان می‌کند.

۵- زن می‌تواند از طریق مشارکت در موسسه‌های جامعه مدنی عضو فعال در جامعه باشد و کارشناسی‌های علمی و عملی خود را برای ساختن دولت و موسسه‌های داخلی بیان کند. زن همچنین می‌تواند در عرصه‌های مختلف که با طبیعت زن بودن وی مناسب و سازگار است همانگونه که آیه‌الله فیاض بیان کرده است فعالیت کند.

۶- کسانی که فعالیت زنان را در عرصه‌های سیاسی، شغلی و اجتماعی ممنوع می‌دانند به برخی از متون دینی استناد کرده اند اما در واقع این فهم به خاطر این بوده است که آنها آیات شریف را در غیر سیاق و دلالت شان قرار داده است. همچنین مانعین^۱، به احادیثی تمسک جسته که یا صحت آن ثابت نشده است و به فرض اینکه صحت آن ثابت شده باشد و آن روایات معتبر باشد آنها به زاویه دیگر نظر دارد همانگونه که مرجع عالیقدر آیه‌الله فیاض در مورد پاره آن متون دینی که فرودست بودن جایگاه زن و ممنوع بودن زن از فعالیت سیاسی و اجتماعی از آن فهمیده می‌شود توضیح داده است. این امر به ما این مساله را یاد می‌دهد که فهم درست و دقیق متون دینی و عدم تحمیل آن به چیزی که احتمال نمی‌دهد و عدم انصراف آن از دلالت و سیاق آن بسیار زیاد مهم است و لازم است متون دینی بصورت دقیق و درست آن مورد استنتاج جهت شناخت احکام قرار گیرد.

۱. مقصود از مانعین کسانی می‌باشند که معتقدند زنان از نظر شرعی حق ندارند فعالیت سیاسی و اجتماعی داشته باشند. مترجم

۷- پاسخ‌های آیه‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض این ویژگی را دارا می‌باشد که همراه با فلسفه احکام، روح مفاهیمی دینی توضیح داده شده است و صرفاً با بیان حلال و حرام اکتفا نشده است، بلکه با استدلال و بیان فلسفه احکام و توضیح مفاهیم اسلامی همراه است به گونه‌ی که اشتباهی را که برخی گرفتار آن گردیده است برطرف می‌کند از قبیل مفهوم تسلط و قیمومیت مرد بر زن و مفهوم ولایت عام و مفهوم دولت اسلامی و دینی و مانند آن از مفاهیمی که از طریق بررسی نظریات شیخ فیاض در مورد جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام بدست می‌آید.

۸- زن مسلمان می‌تواند از حقوق مشروع خود بصورت عملی استفاده کند و به مسائل بزرگ جامعه اهتمام بورزد و در فعالیت‌های مشروع سیاسی حضور داشته باشد و مسائل ثانوی و فرعی، وی را از اشتغال به مسائل مهم باز ندارد و همچنین زن مسلمان نباید خود را در امور سطحی و تزئینات ظاهری غرق کرده و از تفکر، تعقل و رشد فکری باز بماند.